میکروفیلم تهیه شد

نفیس

باز بین شد
۱۳۵۳ ع

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب منتخب الآیات والادعیه – فارسی

مصنف
مؤلف آقا اسدالله طباطبائی بروجردی

خطی
چاپی نسخ ۱۴ سطری

سال طبع یا تحریر .... عدد اوراق ۲۴

جزء کتب ادعیه شماره ۴۸۹

شماره عمومی ۳۴۳۶ شماره قبض

واقف میرزا رضا خان نائینی تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱

طول ۱۶/۵ عرض ۱۰ سانتیمتر قفسه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازیابی شد



[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام
علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین
المعصومین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین
الی یوم الدین و بعد الحمد و الثناء علی
الانبیاء و الائمة الهدی علیهم سلام الله
چنین گوید بنده روسیاه و مستغرق لجه گناه
اسد الله الذلیل العلیل و اقل السلسلة العلیه
المعروفة المشهورة بطباطبائیین المتوطنین بدار السرور
که چون قبل از قدوم میمنت ملزوم ماه مبارک

کتابخانه آستان قدس
قسمت خطی

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
بازبینی شد

مبارک رجب المرجب ۱۳۲۳ که یکی از شهور حرام است
بواسطه اقدام و جرأت و جسارت و حرکت
عنیفه طایفه ضاله مضله وحشیه نجسه
انگلیسیه بخطه شریفه اسلام رخنه فسادی
بظهور رسید اسلامیان را ازین جلادت
و مومنان را از چنین جهالت و جلادت
حوصله عار و ننگ آمد که ملکه مملوکه متروکه
با نجاست ذات و خبث صفات دست تذلل
قدیمی را از آستین تجلل دراز و فتنه تازه
در ایران و ایمان آغاز نماید چون مصدر
سریر سلطنت و سرور مومنان با حمیت صاحب
منصب سلیمان و مالک مسند انوشیروان
تکیه زن اورنگ شاهان جهان سلطان
عصر و چاکر صاحب العصر و الزمان

عجل الله فرجه وسهل مخرجه السلطان بن
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان
بن الخاقان ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطنته
امر بنزاع و دفاع ایشان فرموده فوج فوج
مرسله از هر سو روان گردید و بر هر پیر و برنا
و شکسته و توانا لازم بل واجب شد که اقدام بن
کارزار نماید و جان خود را درین مقام نثار
سازد و از اینکه این ذره بیمقدار را نه نیم جانی
که قابل جانفشانی و نه آب و نانی که قوه پا و اسبابی
دین و اعانت مسلمین و دفع مشرکین نماید لاعلاج
از پی علاج و رفع این احتیاج بگوشه انزوا نشسته
با دل شکسته و خاطر خسته در بر خود بسته
و ابواب دعا را جسته ازین درد درون
و از آن دراهسته بیرون امد از مدد خدا

کتابخانه آستانه قدس ۳

خدا و باری ائمه هدی علیهم الاف التحیه
والثنا تحف و هدایای کثیره دستگیر شده چون
ران ملخ بدربار معدلت مدار گردون اقتدار
حافظ دین احمد مختار و مروج مذهب ولی
کردگار حضرت اقدس شهریار کامکار خلد الله
ملکه و سلطنته الی دار القرار ایثار کرد امید
که هرچه را خود خواهند اختیار و هر کرا
خود نوازند برسم افتخار سرافرازند نظر
باینکه هر یک از مقربان حضرت اقدس
و نزدیکان آن نفس مقدس را در سلم مقام
پایه برتر و مقامی بالاتر از آنست که به تحفه
ملوکانه و هدایای خدایگانه در درگاه آن
یگانه خدیو زمانه قدمی خافیانه نهاد و نام
نامی آن نیک نهاد مبارک بنیاد را بر زبان

ودر قوهٔ بهبیان نخواهد افتاد الا انکه لاحق
وتالی اسم مبارک سلطان زمان اشارهٔ اجمالی
شود بالقاب جناب مستطاب جلالتمآب زیبندهٔ
سریر دوستنوازی وبرازندهٔ مسند دشمنگدازی
مقبول نظر اهل کمال مقرب بارگاه سلطنت
واجلال مستوفی قلمرو عزت واقبال مرکز دایرهٔ
بزرگی وجلال دفترشوی صحایف اعمال وامال
اهل ضلال انکه در ایام وزارت ومروتش بلب
آه دردمندان وقاصد تمنای حاجتمندان
از فیض جود وجود مسعود عاقبت محمودش باقضای
حوایج در کوشهٔ فراغت بدعای دوام وقوام دولت
قوی شوکت حضرت ظل اللهی از پا ننشسته وتشخص
باتشخص صدارت وفتوتش شیشهٔ ناموس وسالوس
اعادی دین مبین جناب رسالتپناهی را بسنک

بسنک تدبر وتفکر بلامحابا شکسته المکین علی
مسند المروت والالطاف هادم بنیان الجور
والاعتساف موسس اساس المعدلت والانصاف
الوزیر الاجل الاکرم الافخم والدستور المکرم
المعظم اعنی الصدر الاعظم ادام الله ظلال
رأفته علی مفارق الانام وخلد ایام حیاته ولواء
رفعته الی یوم القیام وچون لایق مقام ومناسب
ایام سعادت فرجام که همیشه بکام محبان ذوی
العز والاحترام باد بعضی اذکار واوراد [illegible]
واخبار ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم اجمعین
بنظر رسیده نوشته وانفاد حضور موفور
السرور عالی کردید امید که ملاحظهٔ من قال
نفرموده وبر ما قال اشتغال فرمایند اول
انکه هرچه در نخبهٔ منتخبه از دعوات که مخصوص

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی
۵

ذات اقدس و نتیجهٔ دودمان سلطنت انتخاب
شده ملاحظه و مراجعه نموده بان قاعده و اداب
در وقت حاجت و ضرورت استکتاب و عمل
فرمایند و ثانی آنکه آیاتی که در اینجا بخصوص
عرض میشود و بیانات شرح آنها بنظر انور میرسد
مختص وجود لطیف و این مقام شریف است
و اول آنها این آیات شریفه است که شرح خواص
و فواید عظیمه آنها را در تعداد قلم و مداد
عالم وافی نیست و بهمینقدر در رقدر کافی
که از قرآن و آیهٔ کریمهٔ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ در شاهد فواید او
مثبت و منفی منافی حال قاری و حامل است
که باعث امان از بلیهٔ زمان و حوادث دوران
و حفظ جاه و مال و عیال و جان و ایمانست و نگاه

و نگاهدارنده و خوانندهٔ آنها را بقاعده و قانونی
که بعرض میرسد شری و ضرری نخواهد رسید
چنانچه نقل است از آخر کتاب جواهر القرآن
که یکی از سلاطین زمانی وزیری داشت و مدت
بیست سال وزارت او نمودی هرگاه که پادشاه
ارادهٔ غضب بر او میکرد حق سبحانه و تعالی
خشم و غضب وی را بلطف و شفقت بدل
فرموده بود او را میگذشت بعد از چندی
یکروز سلطان بهمان وزیر فرمود عجب
حکمتی است که در این مدت بیست سال این معنی
در خیال من است که میخواهم بر تو غضب کنم
حضرت مقلب القلوب دل مرا میگرداند
و تغییر از لطف و رفق از من نسبت بتو
بظهور نمی آید سر این را میدانم و وزیر عرض

کرد ایسلطان بر تو پوشیده و پنهان نماند که من
وقت طفولیت در خدمت شیخ حمزهٔ قاری قرآن
میخواندم روزی فرمود که در تمام قرآن شش
آیه است که در هر آیه ده قاف است هر که هر صباح
آن شش آیه را بخواند هیچکس مضرت باو نتوانند
رسانید اگرچه تمام عالم دشمن او باشند و قصد
او کنند خداوند عالمیان شر ایشان را بخود
راجع میفرماید و آن بنده را در حفظ و امان خود
محفوظ میدارد و این آیات که عرض میشود
چهار پنج آیه او را جهت تکتب در لوای
مقابل اعدا در بخشهٔ انفادی حضور مبارک
حضرت اقدس اعراض نموده و در آن معروض
فائدهای بی نظیر و در تکسیر اعادی بمثابهٔ
اکسیر اعظم است و همچنین در این فایدهٔ منظور

منظوره نیز اعظم از اینها نیست و این آیات
عظیمه که مذکور میشود چهار از اینها در چهار
سورهٔ متعاقب یکدیگر بند البقره و آل عمران
و نساء و مائده و یکی دیگر در سورهٔ رعد است
یکی هم در سورهٔ یا ایها المزمل و بطریقی
که در کتاب مذکور مسطور است و دیگران
هم ذکر کرده اند طریقهٔ خواندن این آیات
آن است که چون معلوم شد که در هر آیه
ده قاف است باید بهر قافی که میرسد انگشت
کوچک از دست راست ابتدا بعقد نماید
تا دست چپ تمام شود و بعد از آنکه آیه را
تمام کرد پنجاه مرتبه اسماء مبارکه که بعد
ذکر میشود بخواند اگر مقصود حفظ نفس است
چنانکه عرض خواهد شد بجهات ستر و بخود

دمد بعد از اتمام آیهٔ اول و ثانی و ثالث و رابع
و خامس شروع در آیهٔ دیگر کند بهمین دستور
و چون آیه و اسماء شریفه تمام شود اگر
مقصود غیری باشد بجانب وی و الا بخود
دمد و در حین دمیدن بخود یا دشمن یکبار
همه انگشتان را گشاید و صاحب حرز الامان
و دیگران فرموده‌اند از میان خاصیات این
آیات سه چیز بسیار مشهور و مجربست وسعت
رزق و بقای عمر و ادای قرض زیرا که این
هر سه از حرف قاف خالی نیستند هرگاه بندهٔ
با اخلاص در مطالب و مهمات شرعیه باین
آیات مداومت نماید البته خداوند عز و جل
جمیع مرادات او را حاصل فرماید آیهٔ
اول که در سورهٔ بقره است بطرف راست دمند

دمند آیهٔ دویم که در سورهٔ آل عمرانست
بر پیش رو دمند آیهٔ سیم که در سورهٔ
نساء است بر بالای سر دمند آیهٔ چهارم
که در سورهٔ مائده است بر جانب چپ دمند
آیهٔ پنجم که در سورهٔ رعد است بر پشت
سر دمند آیهٔ ششم که در سورهٔ مزمل است
در پایین تمام اعضا و پایین پا دمند
و این آیات قاف از برای هر نوع واقعه بخوانند
مجربست خصوصا مهمات و مشکلات عظیمه
و بر آمدن حاجات و مزید عمر و سعادت و دفع
شر اعدا و حفظ از بلیات و آفات و گرفتاری
درد و خوف و رنجوری بند و زندان و دفع
شر ظالمان و جباران و قهر و خشم سلطان
هر روز این آیات متبرکات اگر ائمه طاهرین صلوات الله

علیهم اجمعین و علماء راشدین از کلام حضرت
رب العالمین برگزیده و امر بمداومت آنها فرموده اند
که هر که هر صباح بخواند و بجهات سته دمد باین
نحو و بآن طریق که عرض شد که همه آفاتی که در ضمن
آیات است رسند سر انگشت بر هم کنند ابتدا
از انگشت کوچک دست راست و انتها بر
کوچک دست چپ و از اسماء معروضه
همین است یا قوی یا دائم یا قادر یا رازق
یا رافع یا باقی ابتدا اول که بطرف راست دمند
بسم الله الرحمن الرحیم
الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی
اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکا نقاتل
فی سبیل الله قال هل عسیتم ان کتب علیکم
القتال الا تقاتلوا قالوا وما لنا الا نقاتل

نقاتل فی سبیل الله وقد اخرجنا من دیارنا
وابنائنا فلما کتب علیهم القتال تولوا الا
قلیلا منهم والله علیم بالظالمین ابتدا دوم که
به پیش رو دمند لقد سمع الله قول الذین قالوا
ان الله فقیر ونحن اغنیاء سنکتب ما قالوا وقتلهم
الانبیاء بغیر حق ونقول ذوقوا عذاب الحریق
ابتدا سیم که بر بالای سر دمند الم تر الی الذین قیل لهم کفوا
ایدیکم واقیموا الصلوة واتوا الزکوة فلما کتب
علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون الناس کخشیة الله
او اشد خشیة وقالوا ربنا لم کتبت علینا القتال
لولا اخرتنا الی اجل قریب قل متاع الدنیا قلیل
والاخرة خیر لمن اتقی ولا تظلمون فتیلا ابتدا چهارم که
بجانب چپ دمند واتل علیهم نبا ابنی ادم بالحق اذ قربا
قربانا فتقبل من احدهما ولم یتقبل من الاخر

قال لأقتلنك قال إنما يتقبل الله من المتقين ۝
آیه پنجم که بر دست شده مند قل من رب السموات
والارض قل الله قل افاتخذتم من دونه اولياء
لا يملكون لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل يستوى
الظلمات والنور ام جعلوا لله شركاء خلقوا
كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء
وهو الواحد القهار آیه ششم که ما بین تمام اعضا و با یمن ما دمند
ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل
ونصفه وثلثه وطائفة من الذين معك
والله يقدر الليل والنهار علم ان لن تحصوه
فتاب عليكم فاقرءوا ما تيسر من القران علم ان سيكون
منكم مرضى وآخرون يضربون في الارض يبتغون
من فضل الله وآخرون يقاتلون في سبيل الله
فاقرءوا ما تيسر منه واقيموا الصلوة وآتوا الزكوة

الزكوة واقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا
لانفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرا واعظم
اجرا واستغفروا الله ان الله غفور رحيم ۝
واما چون مقول قول بجهت آنکه مقبول
رای و مطبوع طبع شریف افتد دربیان
خاصیات آیات شریفه افتاد بخاطر آنکه بعضی این
وجیزه را از ابتدا و انتها باین رویه ادا سازد
که بهتر از کلام خدا و ارشاد خاتم انبیا و ائمه
هدی علیهم سلام الله چیزی نیست و منظوری
از انفاد حضور خیر تحفه از قبیل هدیه مور
نی ولکن هی هی غلط گفتم تجلی نور و آثار
کوه طور از هر یک از سطور و حروف و سواد
هویداست قاری و حامل و کاتب و ذاکر آن گردد
بودی گفتمی از هر سر انگشت در مشت دو صد

ید و بیضا بر جا بست و شاهد مدعا ما ینطق عن الهوی
ان هو الا وحی یوحی است و اگر خواهد از ین مقوله
بیانات معجزات و کرامات آیات بینات قرآنی سراید
عمر نوح و بیان داودی را نشاید و شاید موجب
ملال و منافی مشغله و اشتغال سعادت مآل ان
ندوه اهل کمال و مسندنشین بزم عزت و جلال
گردد عمده اسباب در نقل اقوال در تطبیق خیال
کتاب است و نیست و عاریه هم باید جاریه چند
مرد شد تا بجدل و نبرد گرفت و او هم بمکن صورت
نگیرد و اگر گیرد هنوز نداده بگیرد پس در چنین
صورت و ضرورت دویدن ازین در بآن در
بجهت بیان خبر و ثمر صورتی ندارد بهتر آنکه
بار مختصر و اکتفا شود بمصباح کفعمی رحمه الله
و کتب دیگر از قبیل صافی و مجمع البیان و حرز

وآیه ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر کما فی

و حرز الامانی که از اخوه ایمانی درین زمان قلیل
با منت کثیر بدست آمد از جمله جواهرات قیمتی آیاتی
چند بنظر رسیده غیر از شش آیه سابقه که عرض
شد منقول از مرحوم کفعمی علیه الرحمه بجهت
حفظ وجود مسعود و ما یتعلق به در حاشیت
انماد و روایت از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم نقل فرموده روایت اولی
از شیخ ابو العباس احمد بن فهد رحمه الله صاحب
عدة الداعی که ایشان فرموده اند مرویست عن
النبی ص من قراءها لم یر فی نفسه و ماله شیئا
یکرهه و لم یقربه الشیطان و لم ینس القرآن و هی
اول البقرة الی المفلحون و آیة الکرسی الی علیم
و ثلث آیات من آخرها من قوله تعالی لله
ما فی السموات و ما فی الارض ایضا فی ادعیات الثانویه

منقول از جناب رسول خدا صلعم بجهت شفاء فرمایید
مصباح
ودواء نهصد ونود ونه داء وخود صاحب
مرویه عن النبی صلعم فیها شفاء من تسعمائة وتسع
وتسعین داء وهی قراءة الحمد واول البقرة
الی مفلحون وایة الکرسی الی علیم وقوله لله
ما فی السموات وما فی الارض الی اخر البقره وایة السخره
من الاعراف وقل ادعوا الله الی اخر من الاسری
واول الصافات الی لازب وفی الرحمن یا معشر الجن
والانس الی تنتصران وفی الحشر لو انزلنا هذا القرآن
الی اخر السوره وفی الجن وانه تعالی جد ربنا
الی شططا له معقبات من بین یدیه ومن خلفه
یحفظونه من امر الله وفی یس وجعلنا
من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
الایه وفی البقرة ختم الله علی قلوبهم

قلوبهم الایه الله الشافی الکافی المعافی
بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
چون روایت ایات متبرکه را در نسخهٔ مصباح
الکفعمی باشارهٔ فرموده بودند هردو بزرگوار
اعلی الله مقامهما وبجهت تسهیل در قرائت
ومداومت بانها هردو مضمون روایت را
موافق فرمودهٔ حضرت رسول صلعم از قرآن مجید
ایات را باالتمام دیده ونوشته که در خمتی
نباشد وحدیثی هم موافق روایت اولی سرکار
فیض اثار اعلی الله درجته در صافی وافی
بمطلبی قلمی فرموده اند اگرچه تکرار است لکن
چون مستند بجناب سید الساجدین صلوات الله
علیه است بجهت تزیین وتشریف کلام وکتاب
الکتاب شد کما قال رحمه الله فی ثواب الاعمال

عن السجاد ع قال قال رسول الله ص من قرأ اربع آيات
من اول البقرة وآية الكرسي وآيتين بعدها وثلث
آيات من آخرها لم ير في نفسه وماله شيئا يكرهه
ولا يقربه الشيطان ولا ينسى القران ودر مجمع
البيان هم شيخ طبرسی وديكران هم همين را بيان
فرموده اند و وقت قرائت را وقت خوابيدن در وقتی
در جامه خواب معين نمايند ابيات شعر موافق روايت اولی

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين
الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما
رزقناهم ينفقون والذين يؤمنون بما انزل اليك
وما انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون اولئك
على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون
الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا
نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا
الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما
خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء
وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما
وهو العلي العظيم لا اكراه في الدين قد تبين
الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن
بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام
لها والله سميع عليم لله ما في السموات وما
في الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه
يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء
والله على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل
اليه من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته
وكتبه ورسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك
ربنا واليك المصير لا يكلف الله نفسا

إلا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا
لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا ربنا ولا تحمل علينا
إصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا
تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا
وارحمنا أنت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين

آيات شريفه موافق روايت ثانويه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم
الدين إياك نعبد وإياك نستعين اهدنا
الصراط المستقيم صراط الذين أنعمت عليهم
غير المغضوب عليهم ولا الضالين
بسم الله الرحمن الرحيم الم ذلك الكتاب لا ريب
فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب
ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون

ينفقون والذين يؤمنون بما أنزل إليك
وما أنزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون
أولئك على هدى من ربهم وأولئك هم المفلحون
الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة
ولا نوم له ما في السموات وما في الأرض من ذا
الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم ما بين أيديهم
وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه
إلا بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض
ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم
لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي
فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد
استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها
والله سميع عليم لله ما في السموات وما
في الأرض وإن تبدوا ما في أنفسكم أو تخفوه

يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء
والله على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل اليه
من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته
وكتبه ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير
لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها
ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين
من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به
واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا
فانصرنا على القوم الكافرين ه اية السخرة ه
ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة
ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره

بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين
في الاسماء قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا
ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك
ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد
لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك
ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا ه

والصافات بسم الله الرحمن الرحيم
والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا
ان الهكم لواحد رب السموات والارض وما
بينهما ورب المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة
الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون
الى الملا الاعلى ويقذفون من كل جانب
دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف
الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب فاستفتهم اهم اشد

خلقا ام من خلقنا انا خلقناهم من طين لازب
وفي الرحمن يا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فباي
الاء ربكما تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار
ونحاس فلا تنتصران وفي الحشر لو انزلنا
هذا القران على جبل لرايته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو
الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار
المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له

له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
وفي الجن وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ
صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول سفيهنا على الله
شططا له معقبات من بين يديه ومن خلفه
يحفظونه من امر الله وفي يس وجعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون وفي البقرة لهم ختم الله على
قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة
ولهم عذاب عظيم الله الشافي الكافي المعافي
بالالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
واما بعد از ذکر ان شش ایه سابقه
که مشتمل از ده قاف بود انصاف بیست
که از ذکر این شش ایه کریمه وجوابهای کافیه
وافیه از حضرت ذو المنن که متضمن فواید

عظیم است بجهة آن معدن عدل و انصاف
و مظهر احسان و الطاف بکذرد و بقدر الکفاف
و رفع البحث و الاجحاف از مدعی مظهر خلاف
اکتفا شود به بیان سند از روایت صاحب
مصباح کفعمی و استشهاد آنجناب در حاشیهٔ
کتاب از کتاب مجمع البیان شیخ طبرسی رحمهما الله
و بس و از این تطویل لاطائل از برای احتجاج و اثبات
خاصیات آیات و اضح الدلالات بلکه
بجهت دفاع ایذاء اعدا و اطفاء نایرهٔ لجاج
و الا ذکر جلالت و عظمت آیات شریفهٔ کریمه را
احتیاج باین بیانات نیست سوق و منطوق
و مفهوم لو انزلنا هذا القرآن علی جبل
لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله کافی
مناقشهٔ خصم و از ادلهٔ وافیه برجوابست لکن

لکن ذکر شاهدی که خود صاحب مصباح
در حاشیهٔ کتاب از صاحب کتاب دلایل نموده
فضایل این آیات و ظهور فواید و خاصیات
آنها ذکر میفرماید بعین عبارات عربیه عیبی
ندارد و آن اینست ذکر صاحب الکتاب
الدلایل عن ابی الحسن محمد بن علی الشریف
العلوی رحمه الله قال اصابنی هم و غم شدید
حتی ضاق صدری و قل صبری فرأیت
جدی رسول الله صلعم فی منامی فقال لی
ما شأنک یا محمد قلت هم و غم توالی علی من امور
الدنیا و قد ذهب مالی و جاهی و کثر مع
ذلک عیالی و اصابنی خلال ذلک خوف
من السلطان و هو اعظم ما بی فقال صلعم
الا اعلمک شیئا من عزائم القرآن یرد الله

عز اسمه عليك بذلك مالك وجاهك ويرد
بها السلطان عنك ويزيل همك وغمك
ويصلح شان عيالك فقلت نعم يا رسول الله
فقال اقرء هذه الآيات الست واجوبتها
عند كل شدة فانه يجعل لك من امرك
فرجا ويكفيك امر الدنيا والآخرة فلا تقرأها
مهموم الا فرج الله همه ولا محبوس الا خلص
قال فانتهيت فقرأت الآيات بعد صلواتي
واذا برسول السلطان يدعوني اليه وقال لي
لقد ارعبتني في منامي واطلب دعوة علي
والله ما يلحقك مني خوف ثم رد علي ما اخذ
مني وزادني من ماله وبالجملة فقد لقيت بركتهما
كل خير تمت الحاشية الكافية الوافية وشرحت
في كتابة آيات العزيمة واجوبتها كما قال الكفعمي رحمه الله

ثم الآيات الاستكفاء فهي ست آيات
واجوبتها يكفي بتلاوتها المحبوس والخائف والمديون
والمهموم الآية الأولى الذين اذا اصابتهم
مصيبة قالوا انا لله وانا ~~قالوا انا لله وانا~~ اليه
راجعون جوابها اولئك عليهم صلوات
من ربهم ورحمة واولئك هم المهتدون الآية
الثانية الذين قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا
لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم
الوكيل جوابها فانقلبوا بنعمة من الله
وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله
ذو فضل عظيم الآية الثالثة وذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
جوابها فاستجبنا له ونجيناه من

الغم وكذلك ننجي المؤمنين الآية الرابعة
وايوب اذ نادى ربه اني مسني الضر وانت ارحم
الراحمين جوابها فاستجبنا له فكشفنا ما به
من ضر واتيناه اهله ومثلهم معهم رحمة من عندنا
وذكرى للعابدين الآية الخامسة وافوض
امري الى الله ان الله بصير بالعباد ؞
جوابها فوقيه الله سيئات ما مكروا وحاق
بآل فرعون سوء العذاب الآية السادسة
والذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله
فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب الا الله
ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون جوابها
اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجري
من تحتها الانهار خالدين فيها ونعم اجر العاملين
ومناسب است بلكه لازم كه حديثي را كه خود كفعمي

كفعمي قدس سره متعاقب آيات شريفه ذكر ميفرمايد
بجهت اتقان واطمينان در اين محل مع شيء زايد
بجواب جدل خصم بي بدل ذكر شود وحديث اينست هذا
وعن الصادق عليه السلام عجبت لمن فزع من اربع
كيف لا يفزع الى اربع عجبت لمن خاف كيف لا يفزع
الى قوله حسبنا الله ونعم الوكيل لانه تعالى يقول
عقيبها فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم
سوء وعجبت لمن اغتم كيف لا يفزع الى قوله
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
لانه تعالى يقول عقيبها فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وعجبت لمن
مكر به كيف لا يفزع الى قوله وافوض امري
الى الله ان الله بصير بالعباد لان الله تعالى
يقول عقيبها فوقيه الله سيئات ما مكروا وحاق

...انه آستان قدس

بالِ فِرعَونَ سُوءُ العَذابِ و عجب لمن اراد الدنیا
کیف لا یفزع الی قوله تعالی ما شاء الله لا قوة الا بالله
لان الله تعالی یقول عقبها اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنکَ مالًا
وَ وَلَدًا فَعَسی رَبّی اَنْ یُؤتِیَنِ خَیرًا مِنْ جَنَّتِکَ
و اکر چه پس از ذکر ابواب منتجبات شریفه که از جناب سید کائنات
و خلاصهٔ موجودات منقول و ثقات رواة احادیث
متبرکه بروایات متعدده متکثرهٔ صحیحهٔ معتبره
بجهة حصول مطالب و کفایت مهمات دنیا و آخرت
فرموده اند ذکر اذکار و اوراد و دعواتی دیگر
که برابری کند با اینها یا کلمهٔ یا حرفی از اینها مناسبت
عرض بنظر نرسیده الا آنکه دعای عظیم القدر
و جلیل الشان مشهور و مذکور بدعاء اسماء
حروف نورانی و خاتم مکرمی بعد از او و کیفیت
فضیلت این دعا بر سایر ادعیه و اذکار این

این و چنین است که مشتمل است بر اسماء نورانی
که در هر یک از آن اسماء حرفیست از حروف اسامی
اسامی اعظم الهی و صاحب در النظیم گوید
مراد از این حروف که در این دعاست اشاره
باسماء حسنی الهیه است که در اوایل ایشان
حروف نورانی است و آن حروف عبارت
از مقطعات اوایل سور قرآنی است که بعد
از حذف مکررات چهارده حرف میشود و اشارت
بعدد معصومین صلوات الله علیهم اجمعین است
و بر این معنی جمعی کثیر از اکابر و اعاظم اصحاب
جناب ختمی مآب صلی الله علیه و آله السلام
مثل ابن عباس و عبد الله بن سلام و غیرهما که سرور
مردان عالم و زبدهٔ بنی آدم حضرت ولایتمآب
امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلوة و السلام

هم در این خبر با ایشان موافق و متفق است و میفرماید
که این اسماء بزرگوار که اشتهار باسماء حسنی دارد
و از قبیل اسم اعظم است بهتر است و اگر بخواهد در این
مختصر از خواص و شرح آنها سطری بنویسد عمر
وافی باید خود تنها کتابی مبسوط و نامتناهی خواهد
شد ولی اشارهٔ اجمالی از گفتهٔ صاحب حرز الامان
بجهت اطمینان و عمل بآن ضرور و کافی منظور است
چنانکه گوید هر که این اسما را هر روز بعد از نماز
بامداد فریضه هشتاد و هفت بار و بقولی هفت بار
و بقولی یکبار بخواند خیر و برکت اندر دنیا
و آخرت باز یابد و در نفس خود احوال و اوصاف
عجیبه و غریبه مشاهده کند تا غایتی که همت
خود را از خلق منقطع یابد و همه خلق را مسخر
فرمان خود بیند و اگر جباری بروی ستم کرده باشد

باشد این اسماء را بطریق خطاب یک هفته همه
بخواند و ابتداء قرائت از ساعت اول روز شنبه
کند و هر روزی بهمان عدد که اول گذشت
اگر نتواند ثانی را بخواند و بجانب آن ظالم آنها
کند پیش از انقضاء اسبوع آن ظالم ماخوذ
و مقهور گردد واما خاصیت کتابت
این اسماء و خاتم مکرم که در آخر اوست جهت
حفظ و حرز چنانست که هر که این اسماء
و خاتم ابتر ابطش کتابت کند یعنی صائم
و با طهارت باشد در ساعت سعد و بمشک
و زعفران و گلاب نویسد و مکتوب را در میان
رخت و بار خود نهد در سفر و حضر هر جا
باشد محفوظ و محروس بود و دست قطاع
الطریق و سایر دزدان از تصرف در آن

منقطع کردد واکر بر بازوی راست بندد وهمان
اعدا در ایدا از ضرر ایشان ایمن باشد وهمه دشمن
وی ذلیل وحقیر شوند واکر بر پادشاهی جبار
قهار یا حاکمی ظالم خونخوار در اید از غضب
وسیاست وی محفوظ ومصون ماند بلکه بروی
مشفق ومهربان شود وبر سر لطف واحسان
اید وکسیکه بر سبیل دوام با طهارت کامل
ونظافت لباس حامل این اسماء وخاتم مکرم
باشد بر وی امور عجیبه واحوال غریبه منکشف
کردد واکر انها را بر ظرف چینی یا بلور بنویسد
بمشک وزعفران وکلاب وکافور وباب طهور
محو سازد ومریض ان اب را بیاشامد خواه
مریض باطنی باشد وخواه ظاهری شفا یابد
واکر بدخوی بود اخلاق وی نیک شود و هیبت

وهیبت ومحبت ومهابت کسی که شارب این
اب معمول بود در همه دلها سرایت کند وخواص
این اسماء اعظم وخاتم مکرم بسیار واثار انها
بی شمار واز خوف تطویل برین قدر اقتصار نمود

اسماء مبارک اعظم این است

بسم الله الرحمن الرحیم

ا یا الله یا احد یا اول یا اخر ل یا لطیف
م یا مالک یوم الدین یا مالک الملک یا محیی
یا ممیت ص یا صمد ر یا رب الارباب
یا رحمن یا رحیم ك یا کریم ه یا هادی انت
هو لا اله الا انت ی یوه اهیا شراهیا
ع یا علی یا عظیم یا عزیز ط یا طالب یا طاهر
س یا سمیع یا سبوح ح یا حی ق یا قیوم
ن یا نور السموات والارض یا نور الانوار

كلها ومنوّرها يا نافع يا نصير اسئلك الهدى
والتقى والعفاف والغنى واسئلك اليقين
والعافية واسئلك رزقاً دارّاً وعيشاً قارّاً
وعملاً بارّاً ولحاقاً بعبادك الصالحين
واسئلك ان تصلّى على سيّدنا محمّد نبيّك
ورسولك وعلى سيّدنا ابراهيم خليلك
وان تسلّم عليهما وعلى الهما وعلى الانبياء
والمرسلين والشهداء والصالحين وان
تعطينى سؤلى من خير الدنيا والاخرة
حتّى القاك وانت عنّى راضٍ وجميع
المؤمنين والمسلمين والحمد لله ربّ
العالمين وصلّى الله على محمّد واله
الطّيّبين الطّاهرين المعصومين

المعصومين برحمتك يا ارحم الرّاحمين

خاتم مكرّم محترم این است



بقرائت وتکرار این اسماء بزرگوار اعظم ونظر
کردن در این خاتم مکرّم محترم جمیع مقاصد صوری
ومعنوی ومرادات دنیوی واخروی وقتیکه
شرایط کلامی کما ینبغی عمل نماید میسّر است
والله الموفّق والمعین

وبعد از ذکر آیات کریمه واسامی عظیمه وتمنا
مکرم دعائی دیگر هم که بسیار مجرب ومسلم و مختصر
ومعتبر است که مناسب عرض وذکر در این مختصر
ودر خبر است بسند صحیح از ابی درداء رضی الله عنه
از حضرت خیر البشر صلی الله علیه واله که ایشان
فرمود که هر که صبح وشام بخواند از جمیع آفات
والام واسقام لیالی وایام مادام که مواظبت
نماید در امان ملک علام باشد وشرح مبسوط
براو در مخبئه سلطانیه از ادعیه نوشته که این
وجیزه شریفه را حوصله وگنجایش آن نیست و
خواهند باو رجوع فرمایند الحدیث روی
عن ابی الدرداء رضی الله عنه انه قیل له ذات
یوم احترقت دارک فقال لم یحترق فجاء مخبر آخر
فقال احترقت دارک فقال لم یحترق فجاء ثالث

ثالث فاجابه بذلک ثم انکشف الامر عن احتراق
جمیع ما حولها سواها فقیل له ما علمت ذلک
قال سمعت النبی صلی الله علیه واله یقول ما قال
هذه الکلمات صبحة یوم لم یصبه سوء فیه
ومن قالها فی مساء لیلة لم یصبه سوء فیها
وقد قلتها وهی هذه اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّی لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَاَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ
مَا شَاءَ اللهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ اَعْلَمُ
اَنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَنَّ اللهَ قَدْ اَحَاطَ
بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی
وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ
رَبِّی عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ ایضا دعائی دیگر
منقول ومعتبر از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام که ارشاد و اعلام فرموده بعد
از نماز صبح و قبل از کلام و تغییر قدمین اینده عا
بخوانند فائده و ثمرش هم چنانکه در خبر و نظر
میرسد جهة سعه رزق علی حسب الحال از ممر
حلال و غلبه بر خصم علی کل حال و مشتمل است
بر فقرات و مضامین عالیه و آیات شریفه کریمه
قرآنیه که لازم دانست بطریقه مرویه عربیه
جعفریه علیه التحیة و السلام جهة افادهٔ
خاص و عام و کافهٔ انام و شیعهٔ اثنی عشریه ائمه
همام علیهم الصلوة و السلام در این نسخه
ارقام آرد و وسیله اختتامش سازد و حدیث
شریف این است کما قال الکفعمی رحمه الله فی مصباحه
وعن الصادق علیه السلام ان من دعا بهذا
الدعا بعد فریضة الصبح قبل ان یتکلم مع احد

احد و مشی رجلیه لم یغلب علیه خصمه
و یرزقه الله من خزائن رحمته و هو هذا

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم سخر لی اعدائی کما سخرت الریح لسلیمان
بن داود علیهما السلام و لینهم لی کما لینت
الحدید لداود علیه السلام و ذللهم لی کما
ذللت فرعون لموسی علیه السلام و قهرهم
لی کما قهرت ابا جهل لمحمد صلی الله علیه
و آله بحق کهیعص و بحق حمعسق صم بکم
عمی فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون
صم بکم عمی و هم لا یتکلمون فسیکفیکهم الله
و هو السمیع العلیم و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم

قد فرغ من تنمیقه بتاریخ ... فی عشر
الاوسط من رجب المرجب من شهور سنه ۱۲۲۳

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

کتابخانه آستان قدس
ویژه مطبوعات

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانهٔ آستانهٔ قدس

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

باز بین شد
۱۳۵۳ خ



